

حرف دل دختران

از مریم

سلام،

چند نفر از دوستان برایم نامه نوشته و ضمن ابراز محبت فراوان خواسته‌اند که درباره فمینیسم مطلبی بنویسم. خود من درباره فمینیسم اطلاعات خیلی کاملی ندارم ولی همین چیزهایی که می‌دانم و از اینجا و آنجا گیر آورده‌ام را با شما قسمت می‌کنم. زنان در همه کشورهای جهان از جمله در اروپا و آمریکا، قبلاً شرایطی مثل شرایط امروز ما داشتند و همه فکر میکردند که زنان در هر کاری بیشتر دچار احساسات میشوند تا اینکه از عقل پیروی کنند و یا اینکه زنان وسیله‌ای برای ارضا مرد هستند و از هر جهت وابسته به مرد. و به این دلیل ساخت جامعه طوری بود که هم در تحصیل و هم در هر کار دیگری زنان به پای مردان نمی‌رسیدند، کار در بیرون مال مردان بود و خانه‌داری و نگهداری بچه‌ها مال زنان. جنبش برابری طلبی زنان برای پایان دادن به این شرایط نابرابر زن و مرد پا گرفت. فمینیسم یا جنبش برابری طلبی زنان یک تاریخ چندصد ساله دارد که همزمان با دوره روشنگری اروپا در قرنهای ۱۸ و ۱۷ شروع شد یعنی همزمان با ظهور سرمایه‌داری و پایان دوره فئودالی در اروپا. میتوان گفت که اولین کتاب در اینباره در سال ۱۷۹۲ در انگلستان بچاپ رسید. اسم کتاب به انگلیسی میشود: **A Vindication of the rights of woman**

(دفاعیه‌ای از حقوق زنان؟؟؟؟)

و نویسنده کتاب هم ماری ولستونکرافت بود. نویسنده در این کتاب با این ایده و فکر که زن فقط وسیله ارضا مرد است درافتاد و در عوض پیشنهادی داد که طبق آن زنان هم باید از امکان مساوی در حق تحصیل، کار و دخالت در مسائل سیاسی مثل مردان برخوردار باشند. بعد از آن تلاشهای زیادی در کشورهای مختلف صورت گرفت که خواسته عمده آنها همان برابری زن و مرد بود و جامعه هم کم‌کم تغییر کرد و زنانی اینجا و آنجا دارای شغل شدند. اما مثلاً حق رای برای زنان عمدتاً در قرن بیستم در قوانین کشورها تثبیت شد (هنوز در کشورهای مثل کویت، عربستان و... زنان حق رای ندارند)

یکی از عمده‌ترین و مهمترین پایه‌های فمینیسم توسط سیمون دوبوار (نویسنده فرانسوی و زن فیلسوف مشهور ژان پل سارتر) در کتابی به اسم جنس دوم بنیان گذاشته شده است. این کتاب در سال ۱۹۴۹ بچاپ رسید و بلافاصله به زبانهای مختلف در کشورهای گوناگون ترجمه شد. اهمیت کتاب سیمون دوبوار به این جهت است که او در این کتاب نشان میدهد که آزادی زن، آزادی مرد را هم در خود دارد و اگر زنان آزاد نباشند، مردان هم از آزادی واقعی برخوردار نیستند. بعد از چاپ کتاب دوبوار، جنبش برابری طلبی زنان در اروپا تحرک بیشتری بخود گرفت و حتی به قاره‌های دیگر هم سرایت کرد.

همزمان با جنبش مبارزاتی سیاهپوستان آمریکا در دهه شصت میلادی، خودبخود بخشهای دیگری از جامعه هم به مطرح کردن حقوق خود پرداختند از جمله همجنسگراها، کارگران، زنان و غیره و به این شکل جنبشی بنام جنبش حقوق مدنی در آمریکا متولد شد که به نتایج خیلی مهمی رسید. و در سال ۱۹۶۳ میلادی خانم بتی فریدان کتاب خیلی مهمی چاپ کرد

به اسم **The Feminine Mystique** او در این کتاب به روحیه تسلیم‌پذیری زنان و وابستگی و تکیه آنها به مردان حمله کرد و نشان داد که اگر زنان بخواهند میتوانند دور هم جمع شده و از حقوق خود دفاع کنند و گرنه کسی کاری برای آنها انجام نخواهد داد. بعد از آن در کشورهای مختلف گروههای زیادی متعلق به زنان و با هدف گرفتن حقوق

برابر با مردان شروع بکار کردند.

این جنبشهای زنان در کشورهای مختلف حالات و اشکال مختلفی داشت و بعدها از سیاست جهانی و تئوریه‌ها و ایسم‌های مختلف تاثیر گرفت طوری که انواع و اقسام فمینیسم بوجود آمد، فمینیسم سوسیالیستی، فمینیسم لیبرالی و حتی در این سالهای اخیر اسم فمینیسم اسلامی هم بگوش میرسد.

مبارزات زنان چه تحت نام فمینیسم و چه تحت هر اسم دیگری بطور کلی چند هدف عمده را دنبال میکند: عوض کردن این ایده که زن موجودی ضعیف، وابسته به مرد و بیشتر تحت تاثیر احساسات تا عقل است. حقوق مساوی با مردان در کار، پستهای سیاسی، معاش، نگهداری از فرزندان، حق طلاق، حق سقط جنین، حق تحصیل، حق انتخاب همسر و بطور کلی برابری کامل زن و مرد در جامعه است.

فمینیستها مردسالاری و ارزشهای آن را دشمن خود میدانند و به این سبب با دیگر گروههای اجتماعی که تحت فشار ارزشهای مردسالاری هستند، دست به همکاری میزنند. البته فقط زنان نیستند که در مبارزات زنان شرکت میکنند بلکه مردان زیادی هم خود را فمینیست یا طرفدار فمینیسم معرفی میکنند و در این مبارزات زنان شرکت فعال دارند. حتی در بعضی کشورها مردان گروههای حمایتی از جنبش زنان تشکیل داده و سعی میکنند که در بین همجنسان خود (مردان) ایده برابری زن و مرد را به پیش ببرند. به امید روزی که مردان آزاد جامعه ما هم چنین گروههایی تشکیل دهند.

در کشور ما تبلیغات زیادی بر علیه فمینیسم میشود ولی نباید این دروغها را باور کرد، بلکه ما همه باید برای برابری واقعی انسانها از جمله برابری زن و مرد تلاش کنیم. هر کسی ایده‌های فمینیسم که در بالا گفته شد را قبول دارد، یک فمینیست است. من هم هستم.

قربون هرچی ایرانی آزاد و حشری دوست شما مریم

امروز صدای آدمای مختلف، بزرگ و کوچک توی ایران از ظلمهای مختلفی که فکر میکنم نظام سیاسی مملکت داره بهشون می‌کنه، دراومده و همه در مورد یک حکومت آزاد و لیبرال که البته لائیک باتید باشه حرف می‌زنند و روز بروز آرزوی داشتن یه جامعه آزاد داره عملی بجز برای ما ایرانی‌ها.

آرزویی که تحقق پیدا کردن اون مساوی میشه با آغاز آزادی جنسی برای مردمی که ۱۴۰۰ سال سایه جبار اسلام رو بالای سر خودشون داشتند، اسلامی که بزرگترش دست شاه‌ها رو توی زن گرفتن از پشت بستن ولی به آدمای دیگه....

اصلاً نمی‌دونم چرا هرچی فکر می‌کنم نمی‌فهمم چرا این حضرات کپل‌گنده-آخوندارو می‌گم- شعور خدا رو بردند زیر سؤال که بله قبل از ازدواج کسی حق سکس نداره. ای آقا اگه اینطور بود که خدا با اون همه علم و آگاهی که شما می‌گید داره حتماً یه کاری میکرد که این صاحب مرده بعد که به سن مشخص یا لااقل بعد از ازدواج هوس‌غاز بکنه و اون دروازه‌های عزیز و قابل احترام هم فقط شبای جمعه اونم بعد از ازدواج مخ صاحبشون رو بخورن و هوس کیر کنند. حالا اگه دروغ میگم، دلم می‌خواد خدا یه بار ناپرهیزی کنه و به این حقیر سرتاپا تقصیر وحی کنه و بگه. قربون هرچی ایرانی آزاد و حشری. حمید ۱۸ ساله.

دو کلمه حرف حساب

من زیاد وقت شما را نمی‌گیرم فقط دو کلمه حرف حساب دارم و دلم می‌خواهد که همه خوانندگان سه کاف به آن فکر کنند. یکی اینکه همیشه توی تاریخ که نگاه کنیم هر فکر و ایده جدید که به جامعه معرفی میشه، حالا تو هر زمینه‌ای، طرفداران فرهنگ حال آن دوره همیشه

میگویند که این کفر است و از این حرفا و منادیان فکر جدید را سرکوب میکنند و از طرف دیگر مردم هم که اکثراً اون فرهنگ حاکم رو دارن، فکر میکنند که بهشون شبیخون فرهنگی زده شده و میگن که این چیزای جدید با فرهنگ ما نمی‌خونه و پس دوستان بهتر است کمی عاقلانه و با دقت به این مسائل جدید مربوط به سکس که برای ما تازه گی دارد نگاه کنیم و یاد بگیریم و سعی کنیم افراد هرچه بیشتری را با این ایده‌ها آشنا کنیم و هیچ هم نترسیم چون این شبیخون فرهنگی نیست. این یادگیری راههای تازه و جدید و بهتر برای امور زندگی از جمله سکس ماست. هیچ هم به دین و ایمان کار ندارد، مسئله اینه که تو کشور ما سنت‌های کهنه تو ذهن خیلی از ما ایرانیا بوده و وقتی این آخوندا هم اومدن به این مسئله دامن زدن. به این خاطر اصلاً قضیه یک زورآزمایی بین سنت و مدرنیته است که تو کشور ما جریان داره. تو هر کشوری هم که سنت حاکم شده، وضع ما رو دارن، اما تو اون کشورهای آزاد که مدرنیته پیروز شده و ما هم می‌بینیم که از ما جلوترن. پس اگه می‌خواهید از این وضع خلاص بشیم بهتره که جانب مدرنیسم را بگیریم حالا تو زمینه سکس، آزادی سیاسی یا لباس پوشیدن یا هر چیز دیگه، مهم اینه که هر کدام از ماها بیکار ننشینیم، چون سکوت ما یعنی ما تو این جنگ بین سنت و مدرنیسم بیطرف هستیم، درحالی که نمیتونیم بیطرف باشیم چون پیروز شدن این یا آن مستقیماً روی زندگی ما و فرزندانمون تاثیر داره.

یک نکته هم می‌خواهم اضافه کنم که تو کشور ما میگن که این فرهنگ آزادی جنسی تو غرب باعث هرج و مرج و از هم پاشیدن خانواده‌ها شده و همه هم آمریکا را مثال می‌زنن. میدانید چرا؟ یکی به این دلیل که اینها نه غرب بودن و نه چیزی از جامعه آنجا میدانند و فقط شنیده‌های خود را بدون منطق به دیگران منتقل میکنند و دوم اینکه غرب تو نظر اینها یعنی آمریکا. بابا شما برید اسپانیا هم می‌بینید که مردم مذهبی هستن ولی آزادی جنسی دارن، یا هر کشوری که مثل ما گرفتار این عفریتهای شکم‌گنده نشده باشه. قربون همه‌اتون.

می‌خواستم بدونم دخترا همه اینجوری هستن؟

چند وقت بود که با یه دختر دوست بودم و خیلی ازش خوشم می‌اومد به طوری که همه فکر و ذکر شده بود. چند وقت پیش به من پیشنهاد سکس کرد و من از اون موقع به بعد ازش متنفر شدم. ما سه ماه با هم آشنا بودیم (می‌خواستم بدونم معمولاً دخترا اینطوری هستن که فقط بوی فریندشون (دوست پسرشون-سکاف) رو واسه روابط سکس می‌خوان؟

جواب: همانطور که پسرها همه یکی نیستند و همه یک خلق و خو ندارند و همه پسرها را نمی‌شه با یک چوب راند، دخترها هم همه یکی نیستن، پس از روی مثلاً رفتار یک دختر همیشه گفت که دخترا همه اینطوری هستن. اما اینکه دوست دختر شما پیشنهاد سکس داده، مگه چه اشکالی داره؟ مگه فکر میکنید که همیشه پسرها باید پیشنهاد سکس بدن؟ اگه دختری پیشنهاد سکس بده میگن دختر بدی است یا ازش متنفر میشیم، اگه با سکس مخالفت کنه، میگیم چرا دخترا اینجوری هستن؟ تو این وسط دخترا چیکار کنن؟ حدس ما اینه که این دوست شما یک دختر فهمیده، آگاه و منطقی است، نیاز خودش را می‌شناسد و با آن احساس راحتی میکند و چون سکس و تماس بدنی بخشی از دوستی و روشی برای نزدیکی بیشتر یک دوستی است، به این دلیل با توجه به اینکه شما را دوست دارد، (داشته) خواستار نزدیکی بیشتر و عمقی‌تر شدن دوست بین خودش و شما بوده. چنین دختری نه تنها شایسته تنفر نیست بلکه خیلی هم قابل احترام است، هرچند که می‌بایست ابتدا شما و خلق و خوی شما را بهتر بشناسد و بعد پیشنهاد دهد.

هدف شما از تبلیغات بر ضد دولت کنونی چیست؟

سلام، امیدوارم حالتون خوب باشد، از سایت بسیار زیبایتان ممنون. ازتون چند سؤال داشتم که خوشحال می‌شم اگه جوابمو بدید:

۱- هدف‌اتون از اینهمه تبلیغات به ضد دولت کنونی چیست؟

۲- بعد از سرنگونی احتمالی این رژیم شما به چه نوع حکومتی اعتقاد دارید؟

۳- آیا فکر نمی‌کنید با حمله آمریکا به ایران علاوه بر شکسته شدن غرور ملی و بروز ضعف در کشور (مانند سرنگونی شاه که بعد از اون اقتصاد ایران تا حدود زیادی عقب افتاد و باعث ضعف کشور شد) باعث استعمار دوباره ما مثل زمان شاه شود؟

جواب: مرسی از سلام شما و اما جواب سؤال اول: کار سکاف تبلیغات نیست و مهمتر از

آن کار آن دخالت در سیاست نیست، این خود جمهوری اسلامی است که با اعمال و رفتاری که کرده و میکند خود را در معرض تبلیغات قرار میدهد. نمونه‌ها فراوانند و فقط چند مثال می‌زنیم: ما آزادی جنسی را حق جوانان و مردم میدانیم، جمهوری اسلامی آزادی جنسی را سرکوب و دیکتاتوری جنسی را اعمال میکند، خوب مگر میشود برای آزادی جنسی تلاش کرد و به آن اعتقاد داشت اما کسی که این آزادی را سرکوب میکند، جوانان را به شلاق می‌بندد، گروه‌های امر به معروف‌اش توخیابونها به جوونا گیر میدن و اجازه نده که مثلاً یک مجله مثل سکاف با هدف آگاهی مردم درباره مسائل جنسی تو کشور چاپ بشه و بدتر از آن حتی سایت سکاف را فیلتر میکنه که نذاره این اطلاعات بدست مردم برسند را نادیده گرفت؟ با این کارها جمهوری اسلامی در مقابل آزادی، کسب اطلاعات و آگاه شدن مردم ایستاده و خود بخود در معرض تبلیغات کسانی قرار می‌گیرد که هدف‌اشون آگاهی و آزادی مردم است. و گرنه ما خیلی هم خوشحال می‌شدیم که به همان کار خودمان که ارائه یک سایت اروتیکی - آموزشی است بپردازیم. اگر باور نمی‌کنی شما بروید و همین مقالات آموزشی سکاف را در خیابان به مردم بدهید، اگر شما را دستگیر نکردند؟ یک چیز دیگه هم اینکه نه جمهوری اسلامی بلکه هر حکومتی که اینگونه در برابر آزادیها بایستد، در معرض تبلیغات ما و دیگران قرار خواهد گرفت.

و اما سؤال بعدی: همانطور که ما دین و مذهب را یک مسئله خصوصی میدانیم که به دیگران ربطی ندارد و به این دلیل هم هیچوقت از دین شخصی خود چیزی نگفته‌ایم، تمایل به نوع خاصی از حکومت هم بر اساس اعتقادات شخصی است و بر اساس امکانی است که در لحظه انتخابات وجود دارد، شکل می‌گیرد. تعیین نوع حکومت نه کار

ماست و نه وظیفه ما، ما بعنوان شهروند در زمان انتخابات هم یک رای مخفی میدهیم مثل هر شهروند دیگری، اما معتقدیم که تو انتخابات همه احزاب و گروهها با هر عقیده و دین و مرام و برنامه‌ای باید حق شرکت داشته باشند تا هم آزادی کامل رعایت شده باشد و هم مردم امکان انتخاب بیشتری بدست آورند نه مثل حالا که شرط و شروط می‌گذارند و کاندیداها باید از فیلتر شورای نگهبان بگذرند، این یعنی بی احترامی به آزادی و دهن کجی به مردم است و صغیر دانستن آنها.

و سؤال آخری: ما طرفدار حمله هیچ کشوری از جمله آمریکا به ایران نیستیم، همانطور که زمانی (قبل از شروع کار سکاف) با لشکرکشی و تبلیغات جنگی ایران بر علیه افغانستان در زمان طالبان هم مخالف بودیم. همانقدر مخالف حمله صدام به ایران در شروع جنگ که مخالف ادامه جنگ توسط حکومت ایران بعد از فتح خرمشهر بودیم. سکاف بعنوان یک سایت آموزشی - اروتیکی اساساً با جنگ کشت و کشتار و اشغال کشورها مخالف است. و در رابطه باحمله آمریکا در شماره ۳۴ در جواب یکی از خوانندگان که خواستار حمله آمریکا به ایران

بود، نظر خود را بیان کردیم (مطلب حرفهای خصوصی سکاف ۳۴) و از تکرار می‌پرهیزیم. اما اینکه بعد از انقلاب اقتصاد هم ضعیف شد به این دلیل بود که خمینی گفت اقتصاد مال خر است و آخوندهای طرفدار او که تصدی امور را بعهده گرفتند معیار خود را نه تخصص افراد بلکه دیانت ظاهری افراد قرار دادند و میدان را برای چاپلوسان باز کردند و متخصصان و مغزهایی که میتوانستند کاری کنند یا کشته شدند یا تصفیه و یا به خارج فرار کردند. و در کنار آن جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن سیاست صدور انقلاب، ترور در کشورهای دیگر و... آنقدر برای ایران دشمن تراشید که نه کشوری میخواست با ما معامله کند و نه وسایل و تکنیک پیشرفته خود را به ما فروختند و پول نفت هم که به جیب آخوندها و آقازاده‌ها واریز شد و میشود و نتیجه‌اش را امروز همه می‌بینند. پس نفس کنار زدن یک حکومت به خراب شدن اقتصاد ربطی ندارد. و درست همین سیاستهای جمهوری اسلامی است که هم حمایت مردم داخل را از دست داده و هم دوستی در خارج ندارد و زمینه برای حمله بیگانگان به کشور را آنقدر هموار کرده است. جمهوری اسلامی از احساسات و غرور ملی مردم سو استفاده میکند و گرنه خود بیشترین ضرر را به ایران و ایرانی زده است. تازه در این شرایط هم حاضر نیست دمکراسی و آزادی را رعایت کند و حکومت را به منتخبین آزاد مردم بسپارد. بی جهت نیست که عده‌ای از فرط ناچاری به جایی میرسند که حمله به کشور و زندگی در زیر فرمان دیگران را به این حکومت ترجیح میدهند اما قبل از اینکه این افراد را ملامت کنیم، باید کسانی که باعث و بانی این مشکلات شده‌اند را از قدرت به زیر کشید و کشور را به مردم و منتخبین آنها واگذار کرد و گرنه چه کسی جرئت میکند به یک کشور آزاد که دمکراسی و حقوق بشر را رعایت میکند و مردم طرفدار حکومت آن هستند، حمله کند؟ یکی از دلائل مخالفت ما با جمهوری اسلامی درست به این دلیل است میخواهیم شرایطی که به دیگران اجازه حمله به کشورمان را میدهد، از بین ببریم و در حفظ این مطلب مدت زیادی می‌گذرد و ما هم قول چاپ آن را دادیم، اما متأسفانه غرور ملی ایرانی بکشیم.

از تاریخ چاپ

در زیر نامه‌ها و مطالب رسیده ماند و فراموش کردیم. ولی با توجه به اینکه موضوع هنوز اهمیت خود را داراست، بخشی از آن را در این شماره چاپ میکنیم.

برای غریزه جنسی هویت مستقل قائل شویم.

گرفته شده از مجله امید جوان شماره ۲۹۹

مدتی است که در برخی نشریات مطالبی درباره تشکیل خانه‌های عفاف و بررسی راه‌حلهای یکی از بزرگترین معضلات جامعه " پاسخ به نیاز جنسی جوانان " درج میشود. اما این موضوع هنوز آن گونه که باید و شاید برای جامعه قابل قبول و هضم نیست. بررسی چرایی ناآمادگی جامعه برای پذیرش چنین طرح‌هایی که با شرع دین هم منافات ندارد، میتواند گام مهمی باشد برای چاره جویی این معضل اساسی و مشکل غیر قابل انکار جامعه. من، بسیار درباب دلایل این مقوله اندیشیده‌ام و به این نتیجه رسیده‌ام که مهمترین علت واهمه اندیشمندان متنفذ و هدایتگران جامعه از طرح مشکلات جامعه مبنی بر این است که ما برای غریزه جنسی هویت مستقل قائل نیستیم. به این معنی که به ما القا کرده‌اند و ما هم باور کرده‌ایم که این غریزه تنها و تنها بقصد بقای نسل در بشر قرار داده شده است و هویت مستقل و قائم به ذات ندارد.

به همین خاطر هر جا که بحث غریزه و ارضای نیاز جنسی به خودی خود مطرح میشود از بحث پیرامون آن می‌پرهیزیم یا شرم می‌کنیم و آن را زیاده‌طلبی و هوس‌رانی می‌پنداریم، حتی هنگامی

که ضوابط شرعی آن رعایت میشود.

این تصور که غریزه جنسی تنها به خاطر بقای نسل در بشر قرار داده شده ناشی از این است که عمل تولید مثل و ارضای غریزه جنسی هر دو اسباب و لوازم مشترکی دارند و احتمالاً مشاهده رفتارهای جنسی و تولید مثل در برخی حیوانات و خصوصاً پستانداران و مقایسه آنان با انسان این برداشت نادرست را تقویت کرده است. حال آنکه میتوان از مدعیان این نظریه که این غریزه برای بقای نسل است و لاغیر، قول و مدرک معتبر و گفتاری از بزرگان را مطالبه کرد، اما کجا پیشوایان ما چنین سخنی گفته‌اند؟

ضمن این که از اشتراک اسباب و لوازم تولید مثل و ارضای غریزه جنسی عکس این تصور را هم میتوان نتیجه گرفت. ارضای غریزه جنسی در سلامت روح و روان بشر، آنچنان نقش و اهمیتی داشته است که خداوند متعال آن را با بقای نسل مرتبط کرده تا شرم ناشی از آن موجب نسوخ نشدن آن نشود.

به عبارت دیگر میگویند هدف از غریزه جنسی بقای نسل است اما در عرض و فرع، میل به ارضای هم نهفته و اولی را باید تقویت کرد و دومی را که در واقع شامل موارد دیگر است سرکوب و منکوب کرد! شاید بیان این مثال به فهم موضوع بیشتر کمک کند: مگر جز این است که اگر بشر که مخلوق آن خالق است بخواهد دارویی بسازد که عفونت لوزه‌ها را از بین می‌برد، می‌کوشد این دارو به گونه‌ای باشد که به بهای درمان یک عضو، به زیان اندامهای دیگر نباشد؟ یعنی این که این نکته را در نظر می‌گیرد که بخاطر لوزه‌ها به کلیه و کند و معده آسیب نرساند. پس چگونه ممکن است خداوند علیم و حکیم به قصد بقای نسل، غریزه‌ای را در انسان قرار دهد اما بخش بسیار محدودی از آن شاید یک درصد موجب انعقاد نطفه و تولید مثل می‌شود ولی مابقی لحظات و ساعات عمر موجب گناه و معصیت و ابتلا به هزاران درد سر و گرفتاری باشد؟ اصلاً اگر بقای نسل هدف بود چه نیازی برای تعبیه غریزه‌ای بود که در غالب لحظات و حالات وجود دارد؟ آیا این امکان وجود نداشت که هر نسل تولید مثل را نیز مانند بسیاری از امور دیگر از نسل قبلی فرا می‌گرفت؟ ممکن است برخی بگویند اگر تولید مثل با لذت همراه و توأم نمی‌شد بشر تن به رنج و مشقت فرزند آوردن و بزرگ کردن او نمی‌داد، اما مگر جز این است که همانگونه که در قرآن کریم هم آمده است "مال و فرزند زینت زندگی دنیا است" وقتی فرزند، به بشر منزلت و موقعیت و اعتبار می‌دهد، برای به دست آوردن آن تن به هرکاری می‌دهد. اگر عمل تولید مثل به ناگواری چشیدن زهرمار نیز می‌بود، برای لحظاتی انسان چشم خود را می‌بست و می‌نوشتید تا به فرزند و زینت و موقعیت دست یابد.

دلیل محکم‌تر اینکه اگر معتقد باشیم پروردگار عالم غریزه را تنها و تنها به خاطر بقا و حفظ نسل انسان در وجود آدمی تعبیه کرده است، اکنون چگونه باید توصیف کرد که بشر با انواع روشها هم غریزه را ارضای می‌کند و هم اجازه نمی‌دهد ارتباط او با جنس مخالف به انعقاد نطفه بینجامد؟ در کشور جمهوری اسلامی ایران با محوریت شرع و مذهب هم - هیچ مانعی بر سر عرضه ابزارهای چنین کاری نیست، حتی به عنوان تنظیم خانواده توصیه به استفاده هم میشود. آیا به این معنی است که نعوذبالله نعوذبالله، بشر سر خدا کلاه گذاشته و هدف، بقای نسل بود و حال به جای بقای نسل، لذت بدون قصد فرزندآوری جای آن را گرفته است؟ آیا خالقی که همه امور را پیش بینی کرده نمی‌دانسته انسان به چنین دانشی دست می‌یابد که میتواند از غریزه جنسی بهره بگیرد بدون آنکه به انعقاد نطفه‌ای بینجامد؟ در این میان این اعتقاد هم وجود دارد که این میل و کشش نیرومند در انسان قرار داده شده تا در برابر آن ایستادگی کند و به ثواب و پاداش دست یابد.

اگر چنین است چرا بزرگان دینی و آیات و حدیث آدمی را از قرار گرفتن در محیط‌ها و موقعیت‌های نامشروع و تحریک‌کننده بر حذر داشته‌اند؟
چرا توصیه شده در موقعیتی قرار نگیرید که نیروی عقل از یک سو و کشش‌های شهوانی از جانب دیگر دچار کشمکش می‌شوند؟ ضمن اینکه سیره بزرگان ما نیز رهبانیت نبوده و هیچ حدیث معتبری وجود ندارد که این قول و فرضیه را تأیید کند.
من ریشه مشکل را در این می‌دانم که جامعه، هیچ هویت مستقلی برای غریزه جنسی قائل نیست و این تصور وجود دارد که این مسأله نسبت مستقیم و ربط واثق با مقوله تولید مثل دارد. به همین خاطر است که با دید منفی به "نکاح منقطع" یا "ازدواج موقت" می‌نگرند. حتی بعضی می‌گویند فرزند حاصل از اینگونه پیوندها چه میشود. انگار نه انگار که نکاح منقطع و ازدواج موقت نه به قصد فرزندآوری و تشکیل خانواده به مفهوم اجتماعی و حقوقی آن بلکه به منظور بهره‌برداری مشروع از یک کشش درونی است.
بر این نکته قویاً تأکید می‌کنم که اشاره به هویت مستقلی برای غریزه جنسی به منزله توصیه ارضای آن به هر وسیله نیست. کما اینکه کسب مال نیز گرچه مقبول است ولی به هر وسیله در این شماره تصمیم گرفتیم بجای حرفهای آرش برای نوجوانان، دوتا از نامه‌های خود مشروع نیست. خوانندگان جوان را بچاپ برسانیم.

عقاید بسته و خشک اسلام کهنه را از تن بدر کنیم.

اگر سکس تنها برای بعد از ازدواج است پس چرا خواهش‌های درونی انسان قبل از ازدواج ظاهر می‌شوند؟

بنام خدا!

با سلام و عرض خسته نباشید
مطمئناً تمام تلاشهایی که سکاف برای آگاهی انسانها می‌کند، بی جواب نمی‌ماند. کم پیدا میشه کسی که انکار کنه نوشته‌ها و راهنماییهای سکاف باعث نوسازی خیلی از زندگی‌ها نشده و نکات آموزنده آن باعث باز شدن و روشن شدن تفکرات بعضی‌ها نشده باشد.
یکسالی هست که با سه کاف آشنام و همه رو دارم. خوشحالم که خیلی از تفکراتم - هر چند مخالف والدین و خونواده‌ام- اما موافق با عقاید سکاف است. (گفتم خیلی).
ترویج تفکر آزادی یک نیاز معمول بطور برابر برای دوجنس در جامعه‌ای با غباری از اعتقادات کهنه و فسیل شده اگر موفق باشد نه تنها به پشتکار پیشگامان آن بستگی دارد بلکه به آگاهی و مطالعه فراوان نیازمند است که خوشبختانه گسترش افکاری اینچنین از جانب سکاف خود گواهی کامل بر این ادعاست که حرف حساب بیجواب است! این درماندگی از آن آندسته آدمهایی است که دم از اسلامی می‌زنند و خود را سردمدار واقعی آن میدانند، در حالی که هیچ اطلاعی از آن ندارند.
من می‌دونم که خواننده‌های شما دارای تفکرات متنوعی هستن که قابل احترام می‌باشد. این رو هم می‌دونم که پایگاه شما متعلق به تمام جریانات و افکاره... ولی متأسفانه خیلی‌ها فکر می‌کنن که مخالفت با اسلام داره!
آموخته‌ها به نوگرایی اسلام و جذابیت آن اشاره دارد در حالی که روز به روز اسلام آخوندی امروز کهنه‌تر، درمانده‌تر و بی پاسخ‌تر برای نسل حاضر است.
من خودم یک آدم شاید بشه گفت مذهبی هستم ولی خوب دلیل نمیشه بخوام حرفای سکاف

رو با یک نگاه بسته خشک قدیمی ببینم! حالا من اعتقادم ایجاب می‌کنه که نماز و روزه و یه چیزهای دیگه انجام بدم..... ولی این دلیل اون نیست که دیگه خدا رو مال خودم بدونم. هر کس آزاده که خدای خودشو هرطوری ببینه.

به ما گفتن اسلام هیچوقت کهنه نمیشه و هیچ دافعه‌ای نداره! فکر می‌کنم راست گفتن! (مثلاً همین یازده سپتامبر که بعد اون با اون همه مخالفت علیه اسلام شمار مسلونای آمریکا بیشتر شده) خوب بعد شنیدن این جمله بایستی قبول کنیم که اسلام واقعی آیا اینه که آخوندای تو خالی صداشو درآوردن؟ و هر روز داره کهنه‌تر می‌شه؟ یکی از عادی‌ترین مسائلی که تموم این منادیان به ظاهر اسلام از فهمش عاجزن همین مسئله سکس است! واقعاً آیا اسلام آدم‌ها رو از خودشون محروم کرده؟ یا یک جنس رو بر دیگری ترجیح داده؟ آگه واقعاً این طوری باشه من که مسلون نیستم!

ولی نگاه درونگرایانه‌تر خیلی چیزا رو روشن می‌کنه! اونایی که خیلی خشک به قضیه نگاه می‌کنن اینو حتماً می‌دونن که منابع فقه اسلامی چی هستن؟ و اینو هم می‌دونن که عقل بر اجماع مقدم است؟ یعنی یک سری دستورات معلومه از کتاب و..... ولی در مواردی که امروزه پیش میان اول باید به عقل خود رجوع کرد و در صورت ناتوانی به مراجع و..... غیر این مطمئناً گناه بزرگی است که به نظر من غیر قابل بخششه، چون کفر است که بزرگترین و برترین نعمت خدا یعنی عقل خودتون رو دور بیاندازید. حالا شما در خیلی از موارد باید به شرط روز بیاندیشید و مسائل رو از طریق عقل خودتون بسنجین! مطمئناً نتایجی که به دست می‌آرین برای خودتون پسندانه‌تر است.

گسترده‌گی و بینهایتی هر علمی از نکات ظریف خلقت است که بی‌توجهی به اون می‌تونه در حد کفر باشه. سکس پر از نوآوریها و تازگی هاست! یعنی رنگی از همون ظرافت خالق که پاسخ آن را به دست خود مخلوق نهاده تا به آنچه که برای کمال ملزومه برسد. (کمی فکر) عقاید خشک مثل محروم کردن دختران از سکس تا قبل از دواج و یا فرمالیته بودن و نمود وظیفه‌ای آن نه تنها رنگ پوچی به این شاهکار خالق می‌دهد بلکه شک و تردید آدمی را به حکمت خدا برمی‌انگیزد. اگر سکس تنها برای بعد از دواج است پس چرا خواهش‌های درونی انسان قبل از دواج ظاهر می‌شن؟ حس کنجکاوی انسان برای کشف و نوآوری است.

کمی متاملانه‌تر بنگریم و عقاید بسته و خشک اسلام کهنه را از تن بدر کنیم و اسلامی که هر روز زیباتر میشود را دین خود بنامیم و به آن افتخار کنیم. به امید نابودی هرگونه حد در کشور و رسیدن به روزی که دغدغه آزادی جنسی وجود نداشته باشد و روزی که فرهنگ سکس در جامعه ما به جایگاه اصیل خود برسد. با سپاس فراوان

ا. ر.

مشکلات یک جوان امروزی

راستشو بخواین میخوام مشکلات یه نوجون ایرانی که تو جمهوری اسلامی با این طرز تفکرش و عقاید غلط که بنام مذهب بیان میشه زندگی میکنه تا بشه یه جوون که حالا باید راجع به خیلی چیزا که یکیش مسائل جنسی خودش است روشن و آگاه باشه و بیان کنه. متأسفانه این موضوع به حدی تو ایران سر درازی داره که نمیدونم از کجا براتون شروع کنم.

در نظر بگیرین یه نوجوون (چه دختر و چه پسر) که تازه وارد یه سنی شده که داره تغییرات بزرگی چه از نظر روحی و چه از نظر جسمی درش پیدا میشه. خوب این نوجوون کم کم چیزای جدیدی رو می فهمه که تاحالا راجع به اونها فکر هم نکرده بود؛ مثلاً چیزی بنام احتلام در شب یا مثلاً نزدیکی جنسی و روابط بین دو جنس مخالف یا حتی موافق (با توجه به گرایش فردی) درد اصلی ما اینجاست که مدرسه که بزرگترین مرکز تعلیم و تربیت برای نوجوونای ماست، به خاطر نظم ضعیف و مغمومی به نام جمهوری اسلامی که در کشور ما حاکمه، نمیتونه وظایف تعلیمی مربوط به این مسائل در رابطه با تغییرات روحی و جسمی به دانش آموزان بدهد و متأسفانه تعلیم و آموزش این مسائل محدود شده به یک یا نهایتاً دو جلسه از کلاسهای درسی بنام معارف اسلامی یا همون دینی و پرونده‌اش به همین صورت بسته میشه. حالا شما خودتون رو بزارین بجای همچی فردی که میخواد بیشتر بدونه تا بعداً دچار مشکلاتی از قبیل ابتلا به بیماریهای جنسی و از... نشه. این فرد چند راه داره یکی اینکه بره سراغ افراد خونواده‌اش بخصوص پدر یا مادرش. خوب این راه برای همه انجام شدنی نیست، بخاطر روابطی که اکثرآ تو خوناده‌ها باز و راحت با این چیزها برخورد نمی کنن، در ضمن بعضی‌ها هم خجالت می کشند. راه دوم اینکه که فرد می تونه با اولیا مدرسه مشکلاتشو مطرح کنه که این هم به دلائلی شبیه دلائل قبلی کمتر شدنی است، راههای دیگه مثل مطالعه و مراجعه به دکتر هم هست که اینهم در عمل ساده نیست.

حالا می سه حدس زد که چه اتفاقی می افته. این نوجوون محدود میشه به اطلاعات محدود و گاهی هم غلط دوستان خودش که اونا هم وضعشون بهتر از خودش نیست. اینجاست که یه سری اطلاعات غلط تو ذهن‌ها جا می افته.

دوستان تمام حرف من اینه که چرا تو کشور ما چنین وضعی باید باشه. ما که سرمایه‌های این مملکت هستیم، وقتی این مشکلات رو داریم چطوری میتونیم برای مملکت و آینده آن، کاری بکنیم؟ درحالی که بودجه این کشور خرج خوش گذرانی یه سری افراد حکومتی و یا خرج تجهیزاتی برای تکمیل نیرویی بنام بسیج که کارش فقط اذیت قشر جوان از طریق گروههایی بنام گشت ویژه و از این قبیل تشکلات است.

در آخر دو خواهش دارم، اول بیائیم با همکاری و همبستگی یکپارچه این حکومت مزدور را از سر راه برداریم و دوم به دوستانی که در حل این ابهامات خصوصی (از قبیل آشنایی بیشتر با مسائل جنسی) را مورد حمایت و تشویق قرار دهیم.

به امید روزی که هر جوونی بتونه احساسات و علایق خودشو به راحتی بروز بده و آزادی نفس و بیان داشته باشه.

"عمو علی"